

صفحات ۳۸ تا ۱۰

کلان راهبردهای مقابله بانفوذ شناختی در جامعه‌ی اسلامی دوران جمهوری اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

فدائی، حسن (نویسنده مسئول)^۱، ارجینی، حسین^۲**چکیده**

جامعه‌ی اسلامی ایران در دوران جمهوری اسلامی، همواره مورد نفوذ بیگانگان به‌ویژه جبهه‌ی استکبار بوده است. نوین‌ترین نوع نفوذ، نفوذ شناختی است. این نوع نفوذ در پی تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های دینی و ملی حاکم بر جامعه‌ی ایران، از طریق ایجاد خلل در فکر و ذهن آحاد جامعه است؛ هدفش زدودن پایه‌های نظام جمهوری اسلامی، از جمله تهی نمودن پشتوانه‌ی مردمی و اسلامی نظام، و درنهایت فروپاشی آن نظام است. پژوهش حاضر باهدف شناسایی و تبیین شیوه‌های مقابله بانفوذ شناختی، به این پرسش بنیادین می‌پردازد که کلان‌راهبردهای مقابله بانفوذ شناختی در جامعه‌ی اسلامی عصر جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند. مقاله‌ی پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و پس از گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته است. کلان‌راهبردهای مقابله بانفوذ شناختی شامل کلان‌راهبرد سد، جهاد تبیین و تقویت تعظیم شعائر اسلامی و ملی است. به‌کارگیری این کلان‌راهبردها از یک‌سو موجب خنثی‌سازی نفوذ شناختی می‌شود و از سوی دیگر، به تقویت و ایمن‌سازی جامعه‌ی اسلامی در برابر آن کمک می‌کند. برنامه‌هایی همچون اجرای کامل شبکه‌ی ملی اطلاعات، جلوگیری از اجرای برنامه‌های بین‌المللی مرتبط با اهداف نظام سلطه در کشور، شبکه‌سازی و مردمی‌سازی، مجهز نمودن جامعه به سواد رسانه‌ای و تقویت ظرفیت‌های موجود

۱ - دانشجوی دکترا - مدرسی انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران - fadaei012@gmail.com

۲ - دکترای تخصصی، دانشیار، گروه انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران - www.arjini@maaref.ac.ir

در جامعه‌ی ایران مانند حب ائمه‌ اطهار (علیهم‌السلام) و نوروز، در قالب آن کلان‌راهبردها تعریف می‌شود.

واژگان کلیدی: نفوذ، نفوذ شناختی، جامعه‌ی اسلامی، جمهوری اسلامی، دشمن

مقدمه

سابقه‌ی تشکیل اولین جامعه‌ی اسلامی، به زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بازمی‌گردد. آیین اسلام با ماهیتی جهان‌شمول نمی‌توانست محدود به جغرافیای حجاز باشد؛ بنابراین مسلمانان درگذر زمان و با کلان برنامه «تبلیغ» و با تکیه بر حکم متعالی «جهاد»، اسلام را به دیگر مناطق جهان رساندند و از این رهگذر، جوامع اسلامی متعدّد با مشارکت اقوام مختلف تشکیل شد. بخش عمده‌ی جوامع اسلامی در منطقه‌ی راهبردی غرب آسیا و شمال آفریقا قرار دارد؛ منطقه‌ای با منابع زیرزمینی و معدنی غنی و موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز که همین ویژگی‌ها، طمع دشمنان را به این جوامع برانگیخته است. این مؤلفه، همراه با ویژگی‌هایی چون جهان‌شمولی، استکبارستیزی و سلطه‌ناپذیری اسلام، موجب افزایش حساسیت دشمنان نسبت به اسلام و جوامع اسلامی شده است.

نفوذ در اشکال گوناگون، یکی از شیوه‌های اساسی ضربه زدن به پیکر اسلام است. در برابر این تهدید، مسلمانان به‌ویژه علما در طول تاریخ مقاومت‌هایی را از خود نشان داده‌اند. فتوای تاریخی مرحوم میرزای شیرازی علیه امتیاز تنباکو و نفوذ اقتصادی، حرکت جهادی علمای عراق به رهبری میرزا محمدتقی شیرازی علیه نفوذ سیاسی انگلستان، تأسیس شرکت اسلامیة توسط حاج آقا نورالله اصفهانی برای تحریم منسوجات فرنگی و جلوگیری از نفوذ اقتصادی دشمنان اسلام، و ایستادگی شیخ شهید فضل‌الله نوری در برابر جریان غرب‌گرای مشروطه که به شهادت او انجامید، از بارزترین نمونه‌های مقاومت مسلمانان در برابر نفوذ بوده است.



تقابل دنیای استکبار با جامعه اسلامی ایران یک تقابل تاریخی و تمدنی است. در دو قرن اخیر با ورود تمدن غربی، جامعه اسلامی ایران متأثر از تمدن غرب بوده است. در این میان، افراد و گروه‌های آگاه از مبانی و اهداف تمدن غرب، به مقابله با تهاجم پیدا و پنهان آن پرداخته‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی و وقایع پسینی آن، ضمن اینکه تا حدود زیادی جامعه ایران را در تقابل با تمدن غرب ایمن ساخت، جامعه اسلامی را در جایگاه مهاجم در تقابل با تمدن غرب قرارداد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و تشکیل نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) احساس خطر شدیدی را در دو بلوک قدرت غرب و شرق آن زمان، به‌ویژه غرب به رهبری آمریکا، به وجود آورد. در حقیقت، نزاع ایران و آمریکا، به‌عنوان سردمدار تمدن غرب و جبهه استکبار، نزاعی هویتی و ماهیتی است؛ از یک‌سو ریشه در هویت اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران دارد و از سوی دیگر، نشان‌دهنده مقابله جمهوری اسلامی با هویتی است که نظام سلطه بر اساس لیبرال دموکراسی ادعا می‌کند.

همین نزاع هویتی و ماهیتی، زمینه‌ساز شکل‌گیری انواع جنگ‌ها با نقش‌آفرینی جریان نفوذ، از جمله نفوذ نظامی، فرهنگی، امنیتی و در سال‌های اخیر نفوذ شناختی، بر جامعه اسلامی ایران شده است؛ و جنگ شناختی جز بانفوذ شناختی در جوامع میسر نخواهد شد. رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) با اشاره ضمنی به پدیده نفوذ شناختی در جامعه اسلامی ایران، اراده دشمن را برای نفوذ در اندیشه و اراده و تصمیم مردم آشکار می‌سازند.

بررسی راه‌های مقابله با این پدیده نوین عناد، باهدف «مقابله‌ای عالمانه و مدبرانه، خنثی‌سازی این نوع از نفوذ، و ایمن‌سازی جامعه اسلامی در برابر آن»، ضرورت انجام این پژوهش را به‌روشنی آشکار می‌سازد.

هدف پژوهش

پژوهش حاضر با طرح این پرسش اساسی که شیوه‌ها و به‌ویژه کلان‌راهبردهای مقابله بانفوذ دشمن در جامعه اسلامی در دوران جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند، در پی یافتن و ارائه

پاسخی دقیق و کاربردی به این پرسش است. بنابراین، هدف این مقاله ارائه پاسخی مستدل و منطقی از طریق تحلیل دقیق اطلاعات موجود است.

پیشینه پژوهش

تاکنون آثار فراوان و ارزشمندی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه در رابطه با موضوع پژوهش حاضر انجام شده است. با بررسی‌های انجام‌شده، پیشینه مقاله حاضر را می‌توان در چهار دسته زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. برخی آثار به مباحث نظری، ابعاد و انواع نفوذ و نیز به نمونه‌هایی از مصادیق آن پرداخته‌اند. برای نمونه، محمدعلی الفت پور در کتاب نقاب‌ها: جریان‌شناسی نفوذ در تاریخ انقلاب اسلامی ایران، پس از طرحی کوتاه از مباحث نظری نفوذ و تبیین ابعاد و گونه‌های آن، به بررسی شماری از نفوذی‌ها در تاریخ ایران، از دوران پهلوی تا جمهوری اسلامی، پرداخته است.
۲. آثاری نیز وجود دارند که نفوذ و انواع آن را بر اساس قرآن یا اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بررسی کرده‌اند. به‌طور نمونه، محمدغلام قوام‌آبادی در کتاب نفوذ نرم: بررسی مفهوم نفوذ در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مسئله نفوذ را از دیدگاه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بررسی کرده است.
۳. دسته‌ای از آثار که به‌طور اختصاصی یکی از گونه‌های نفوذ را بررسی کرده یا به واکاوی راه‌های مقابله با آن پرداخته‌اند.

۴. آثار اندکی که به مقوله نفوذ شناختی پرداخته‌اند؛ در این آثار به شیوه‌های مقابله و راهبردهای آن پرداخته نشده است.

کتاب نقاب‌ها: جریان‌شناسی نفوذ در تاریخ انقلاب اسلامی ایران نوشته محمدعلی الفت‌پور، جریان‌شناسی نفوذ و راه‌های مقابله با آن نوشته محمد باقری، راه‌های نفوذ دشمن نوشته حسین راجی، جنگ نرم، نفوذ و سواد رسانه‌ای نوشته اداره‌کل پژوهش‌های اسلامی صدا و سیمای، نفوذ در پسابرجام نوشته نوشته محتبی دولتی و آثار فراوان دیگر	آثار مرتبط با بخش «الف»
کتاب نفوذ نرم بررسی مفهوم نفوذ در اندیشه رهبر معظم انقلاب نوشته محمدغلام قوام‌آبادی، زمینه‌های نفوذ نظام سلطه در کشورهای اسلامی و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه قرآن کریم نوشته ابراهیم امیدی و محمود ابوترابی، مقاله مثبت‌نگری بر مقابله با جنگ شناختی در بیانات آیت الله خامنه‌ای نوشته سمیه عمادی و آثار فراوان دیگر	آثار مرتبط با بخش «ب»
کتاب هنر جنگ شناختی نوشته سید علیرضا آل داود، علوم شناختی در جنگ شناختی نوشته محمد جوانی، جنگ شناختی: حمله به واقعیت و اندیشه نوشته آونسو برنال، مقاله بررسی ابعاد جنگ ترکیبی و جنگ شناختی استعمار علیه ایران نوشته مصطفی سالک علیخانی و زهرا محمدپور و آثار فراوان دیگر	آثار مرتبط با بخش «ج»
مقالات نفوذ شناختی؛ مهار آینده‌پژوهانه نوشته مهدی مقدسی، بررسی همبستگی نفوذ شناختی با اعتیاد به بازیهای دیجیتال در دانش آموزان نوشته سمیه مهروران و لاله طایر.	آثار مرتبط با بخش «د»

پیشینه پژوهش (منبع: نگارنده)

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که هر یک از آثار پیشین صرفاً به بخشی از موضوع مقاله حاضر پرداخته‌اند و هیچ‌یک به صورت اختصاصی درصدد پاسخ‌گویی به مسئله اصلی این پژوهش نبوده‌اند.

روش پژوهش

مقاله حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر پایه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، از منابعی چون کتب، مقالات و پایگاه‌های اینترنتی، به‌ویژه بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، بهره گرفته و پس از تحلیل داده‌ها، به سازمان‌دهی و دسته‌بندی یافته‌ها پرداخته است.

مفاهیم

۱. کلان‌راهبرد

طرحی که سیاست‌ها، هدف‌ها و زنجیره‌های عملیاتی یک سازمان را در شکل یک کل به‌هم‌پیوسته با یکدیگر ترکیب کند (چهاردولی و خادم‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۹) راهبرد می‌گویند. همچنین راهبرد شیوه واضحی است که اهداف و مقاصد بلندمدت سازمان‌ها را شکل می‌دهد و برنامه‌های عمده عملی که برای رسیدن به آن اهداف را میسر می‌سازند را توصیف نموده و منابع

ضروری را مشخص می‌سازد (ماهنامه نگرش راهبردی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰). کلان راهبرد یا راهبرد کلان به‌طور کلی، برنامه‌ای است که با به‌کارگیری آن، تمامی عناصر قدرت یک جامعه برای حمایت از اهداف آن به کار گرفته می‌شوند.

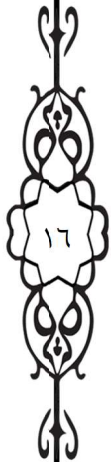
۲. نفوذ شناختی

بررسی زوایای مختلف نفوذ شناختی نیازمند پژوهشی جداگانه است. از این رو، در این بخش از تحلیل تفصیلی نفوذ شناختی خودداری می‌کنیم. با این حال، به‌منظور روشن‌تر شدن مفهوم نفوذ شناختی، ناگزیر هستیم به‌اختصار، واژه‌های نفوذ، نفوذ نرم و علوم شناختی را توضیح دهیم:

نفوذ: نفوذ واژه‌ای عربی با حروف اصلی «ن ف ذ» است. معنای لغوی آن، «درگذرنده در هر کار» (ابن منظور، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۱۴) و «درگذشتن و گذشتن تیر از آنچه بدان آید» (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۰۲۰) است. در اصطلاح، نفوذ رفتاری است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظر دیگران می‌شود (الوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲). مفهوم نفوذ برگرفته از اندیشه‌های هابز درباره قدرت است و به علوم اجتماعی وارد شده است. نفوذ به‌عنوان نتیجه‌ای که از طریق به‌کارگیری قدرت حاصل می‌شود، تعریف شده است (فتحی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۷۵-۷۶). اگرچه نفوذ نوعی از قدرت به‌شمار می‌آید؛ اما با مفاهیمی همچون کنترل، اجبار، زور و مداخله متفاوت است (آقابخشی و افشاری، ۱۳۷۹، ص ۲۷۳).

نفوذ نرم: ابزار نفوذ نرم القا و اقناع است، برخلاف نفوذ سخت که ابزارش اغوا، تهدید و تطمیع است. هدف نهایی نفوذ نرم اختلال در دستگاه محاسباتی مردم و مسئولان است. روش‌های نفوذ نرم متنوع است؛ اما روشی که این روزها بیشتر استفاده می‌شود، نفوذ شبکه‌ای است؛ نفوذ جریانی که با ساخت یک شبکه و جریان انسانی، فشار اجتماعی ایجاد می‌کند تا نظام محاسباتی ذهن افراد را به هم بریزد. در این راه عده‌ای پروژه بگیر و مزدورند و عده‌ای جاهل و فریب‌خورده که نقش تکمیل‌کننده شبکه را بازی می‌کنند (مهیدیان، ۱۴۰۳، ص ۱).

علوم شناختی: علوم شناختی یک علم میان‌رشته‌ای است که از ادغام و هم‌افزایی زیرشاخه‌های مختلف و اصلی مانند روان‌شناسی شناختی، عصب‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی



شناختی و فلسفه ذهن تشکیل شده است. آن بخش از علوم مزبور که به نوعی به موضوع علوم شناختی بپردازند جزء علوم شناختی محسوب می‌شوند (جوانی، ۱۴۰۱، ص ۱۸-۱۹).

نفوذ شناختی: نفوذ شناختی، نوعی از نفوذ نرم و یکی از اقسام نفوذ و از مؤثرترین و نامحسوس‌ترین آن‌هاست؛ به گونه‌ای که در فرایند این نوع نفوذ، یک فرد، دیگری را به کار دلخواه خود وامی‌دارد بدون آنکه شخص دوم احساس کند که وادار به کاری شده است. در واقع، منطق جریان اعمال قدرت و نفوذ، از زور و اجبار آشکار، به اغوا و اقتناع و ارضا جابه‌جاشده است. با وجود اینکه غایت الگوهای نفوذ در فضای واقعی، متأثر کردن ذهن طرف مقابل است؛ اما نفوذ شناختی محدود به فضای واقعی نیست، بلکه بیش از آن، در فضای ذهن به‌عنوان محیط راهبردی مستقل عمل می‌کند. همه باورها، افکار، اندیشه‌ها، شناخت‌ها، نگرش‌ها، عواطف، احساسات، هیجانات، گرایش‌ها، ترجیحات، ذائقه‌ها، محاسبات، ادراکات، اراده‌ها و عزم‌ها، نیات و مقاصد، خواسته‌ها و نیازها، ارزیابی‌ها و قضاوت‌ها، جزئی از فضای ذهنی هستند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی حسی، گرایشی و اندیشه‌ای تقسیم‌بندی کرد (مقدسی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۵-۱۱۲).

شایان ذکر است ذهن انسان بسیار در محاسبات، منطقی و قوی و سریع است تا آنجا که می‌تواند ۱۰ به توان ۶ فرایند را در دقیقه انجام دهد؛ ولی همین دستگاه قوی، به دلیل وجود فیلترهایی، در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی دچار خطاهای عجیب ادراکی می‌شود که تصمیم‌گیری را دچار انحراف می‌کند. در واقع وقتی ادراک ما با واقعیت منطبق نباشد، دچار خطای ادراک شده‌ایم و مغز ما یک ارزیابی و تصمیم‌گیری اشتباه داشته است. از جمله این خطاها، سوگیری‌های شناختی یا اشتباهات ذهنی هستند که شناخت آن‌ها درک عملکرد ذهن را افزایش می‌دهد (جوانی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۵). از جمله این سوگیری‌ها، سوگیری تأییدی است. سوگیری تأییدی یعنی شخص اخبار و اطلاعاتی را مطالعه می‌کند یا می‌پذیرد که مطابق با باورها و افکار او باشد و بقیه را نادیده می‌گیرد یا باور نمی‌کند (جوانی، ۱۴۰۱، ص ۲۰۲-۱۹۹). دشمن در نفوذ شناختی نقش ویژه‌ای بر این سوگیری‌ها در نظر گرفته است. نکته حائز اهمیت آن است که نفوذها و هجمه‌های دیگر در ایجاد این سوگیری‌ها نقش دارند. در واقع نفوذ شناختی در

بستری فراهم شده از انواع نفوذ، به فعالیت می‌پردازد. به‌عنوان نمونه، نفوذ اقتصادی و ایجاد مشکلات معیشتی برای مردم، بستر بسیار مناسبی برای نفوذ شناختی در جهت ناکارآمدنگاری نظام است.

۳. جنگ شناختی

تاکنون چهار نوع مدیریت در جهان را پشت سر گذاشته‌ایم که در نوع اول، شاهد مدیریت بر اساس سلطنت، قدرت و زور بودیم. بعد از آن، مدیریت طبقاتی جایگزین آن شد. در مرحله سوم شاهد نمود صنایع فرهنگی و حکمرانی از طریق این صنعت بودیم. محققان عقیده دارند که در حال حاضر وارد عرصه جدیدی از مدیریت شده‌ایم که از آن با عنوان مدیریت ذهن نام‌برده می‌شود که باعث شده تا سیاستمداران و تصمیم‌گیران بین‌المللی برای پیشبرد اهداف خود، به حوزه جنگ شناختی مراجعه کنند (داوودی، ۱۴۰۰، ص ۲۱۵).

ناتو در سال ۲۰۲۰ م پنج حوزه جنگی زمین، هوا، دریا، فضا و فضای سایبری را به رسمیت شناخت؛ این در حالی است که اکنون موضوع جدیدی به نام جنگ شناختی به‌عنوان عرصه جدیدی از جنگ معرفی می‌شود که در آن ذهن انسان‌ها، میدان نبرد است. جنگ شناختی به معنای استفاده از علوم شناختی در هدف قراردادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است (جوانی، ۱۴۰۱، ص ۱۳). در این مدل از جنگ، ذهن انسان اصلی‌ترین میدان نبرد است. در اتاق‌های فکر این مدل از جنگ‌ها، تمرکز اصلی بر طراحی پیام‌های خاص و نحوه اثرگذاری این پیام‌ها بر جامعه تحت تهاجم است (حق‌گو و مولائی، ۱۴۰۱، ص ۸۲).

۴. جامعه اسلامی

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) جامعه اسلامی را حلقه‌ای از زنجیره‌ای به‌هم‌پیوسته می‌داند که مراحل آن از انقلاب اسلامی آغاز می‌شود و به ترتیب در قالب نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و درنهایت امت اسلامی تداوم می‌یابد؛ مسیری که در حقیقت به تحقق تمدن اسلامی منتهی می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f/17597). تلقی رایج از بیانات رهبر



معظم انقلاب (مدظله‌العالی) این بوده است که دستیابی به تمدن اسلامی فرایندی خطی دارد. یکی از مفروضات این تلقی رابع بر این پایه استوار است که جامعه اسلامی در مرحله چهارم بعد از انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی شکل خواهد گرفت و مهم‌تر از آن این است که این مرحله تماماً متوقف بر مرحله پیشین است و مادامی که دولت اسلامی وجود نداشته باشد، ایجاد جامعه اسلامی امکان‌پذیر نیست. در صورتی که در واقع مستمر بودن زنجیره لزوماً به معنای خطی بودن آن نیست و ممکن است حلقه‌های زنجیره، تکرار شده و غیرخطی و یا غیرمستقیم باشد. به‌عنوان نمونه، در مقام رد خطی بودن فرایند تکوین تمدن نوین اسلامی می‌توان به استدلال‌های پرتکرار رهبری درباره جامعه و جوامع اسلامی موجود و محقق اشاره کرد. در واقع، مفهوم جوامع اسلامی یکی از مفاهیم پرکاربرد در اشاره به وضعیت موجود در دیگر کشورهای مسلمان است که می‌دانیم هیچ‌کدام از این‌ها، مراحل همچون مرحله انقلاب و نظام‌سازی و دولت‌سازی را نگذرانده‌اند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «امت اسلامی امروز سرشار از خشم و اعتراض [اشاره به واکنش جهان اسلام در ماجرای اهانت به ساحت پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)] است؛ این، نشان‌دهنده زنده بودن جوامع اسلامی است».

بنابراین بررسی دقیق دیدگاه‌های ایشان در این باره نشان می‌دهد که جوامع اسلامی، صرفاً امری ذهنی و انتزاعی نیست و دست‌کم سطوحی از آن همواره وجود داشته است (سیدنژاد و امینی، ۱۴۰۳، ص ۳۵-۳۱). به یک معنا جامعه اسلامی، بستر تحقق همه مراحل بیان شده از سوی رهبری است که شکل تکامل‌یافته آن در مرحله چهارم، از زنجیره وصول به تمدن اسلامی است.

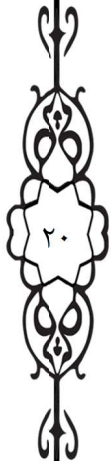
۵. جمهوری اسلامی

زعمای دین همواره حکومت پادشاهی و استبدادی را به‌عنوان حکومت طاغوت برشمرده‌اند. در کنار دیدگاه دائمی علمای شیعه در نفی طواغیت، مردم نیز در پیدایش نهضت‌های دینی نقش مهمی داشته‌اند. استفاده از تعبیر «جمهوری اسلامی» در آثار علمای شیعه به دوران کنونی تشکیل نظام اسلامی در ایران برنمی‌گردد. بنا بر پژوهش ارزشمند مقدمی

شهیدانی در کتاب نخستین پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشینه استفاده از این تعبیر حداقل به دوران مظفرالدین شاه از شاهان قاجار در ایران بازمی‌گردد. خاطرات و گزارش‌های «سرآرتور هاردینگ» وزیرمختار انگلیس در ایران در دوره قاجاریه، یکی از مهم‌ترین منابعی است که آرمان علمای ایرانی به‌منظور تحقق «جمهوری اسلامی» را بازتاب داده است. هاردینگ در یکی از گزارش‌های محرمانه‌ای که در دوران مأموریت خود به لندن می‌فرستد، از تلاش سیدجمال‌الدین اسدآبادی برای براندازی قاجاریه و برپایی جمهوری اسلامی سخن می‌گوید.

ازجمله مهم‌ترین اسناد تاریخی درزمینه اهتمام علمای شیعی به تأسیس نظام «جمهوری اسلامی»، نامه «علماء اعیان و رعایای فارس» است. از دیگر آثار ارزشمند در این زمینه انتشار پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اوائل سال ۱۳۵۴ ش است. این اثر نشان از آن دارد که عنوان مبارک جمهوری اسلامی محصول یک اضطرار تاریخی در سال ۱۳۵۷ ش و محصول تفکر غرب‌گرایان نبوده است (مقدمی شهیدانی، ۱۳۹۸، ص ۴۰-۳۰).

واژه ترکیبی «جمهوری اسلامی» برای نخستین بار از سوی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷ ش در بدو ورود به فرانسه در مصاحبه با خبرنگار فیگارو مطرح شد (محمدیان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۵). در این مقطع برخی از جریانات سیاسی خواستار عنوان «جمهوری»، برخی «جمهوری دموکراتیک»، برخی «جمهوری دموکراتیک اسلامی» و عده‌ای نیز خواستار «حکومت اسلامی» بودند. حضرت امام در برخی مصاحبه‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب، از «جمهوری اسلامی» به‌عنوان حکومت آینده ایران نام می‌برند. ایشان اعلام می‌کند که حکومت پیشنهادی ایشان برای آینده کشور، «جمهوری اسلامی» است که باید به آرای عمومی گذاشته شود (فوزی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۳۸). ایشان در توضیح «جمهوری اسلامی»، قانون کشور را مطابق با قوانین اسلام و شکل حکومت را جمهوری و منظور از آن را اتکای حکومت بر آرای اکثریت بیان می‌کنند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۲۴۰). اساساً به نظامی که در رأس قوه مجریه آن، فرد یا افراد انتخابی قرارگرفته باشند، نظام جمهوری اطلاق می‌شود (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳، ص ۵۶۳). همه‌پرسی تعیین نوع حکومت پس از گذشت پنجاه روز از پیروزی انقلاب در ۱۲ فروردین



۱۳۵۸ ش با رأی مثبت ۹۸/۲ درصد رأی‌دهندگان منجر به استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ایران شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷-۱۷۸).

یافته‌های پژوهش

۱. مباحث مقدماتی

۱-۱. علل مُحدِثه و مُبْقِیة جمهوری اسلامی

تحلیلگران و صاحب‌نظران حوزه مسائل انقلاب و سیاست معتقدند علل مبقیة نظام جمهوری اسلامی ایران همان علل محدثه این نظام هستند. طبق تصریحات صاحب‌نظران، علل محدثه انقلاب اسلامی و به‌تبع آن تشکیل نظام جمهوری اسلامی، «اسلام» و «مردم» هستند. بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز تأییدکننده این ادعا است. ایشان می‌فرمایند: «چرا جمهوری اسلامی با وجود این همه دشمنی، به سرنوشت نظام‌ها و انقلاب‌های دیگر دچار نشد؟ علت چیست؟ ... راز پُرشکوه و افتخاربخش این نظام و ماندگاری این نظام همین دو کلمه است: یعنی «جمهوری» و «اسلامی» ... جمهوری یعنی مردم، اسلامی هم که یعنی اسلام؛ مردم‌سالاری دینی» (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f/۴۷۹۹۱). بنابراین علل محدثه و مبقیة نظام جمهوری اسلامی عبارت است از اسلام و جمهور.

انقلاب اسلامی ایران با راهبری امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) و طبعاً اسلام با خوانش ایشان، به پیروزی رسیده است. قرائتی از اسلام، موجب مانایی جمهوری اسلامی می‌شود که موجب پیدایی آن شده است. از نگاه حضرت امام، اسلام برای صعود انسان از عالم طبیعت به عوالم بالاست. اسلام، برنامه‌ای برای رشد تک‌تک مردم و جامعه انسانی است. مبارزه، احکام، سیاست و ... جزء اسلام هستند؛ ولی به‌تنهایی اسلام نیستند. این تعریف، نشان‌گر نگاه جامع امام به اسلام است. امام راحل اسلام را دارای ابعاد مادی، معنوی، عبادی و سیاسی می‌داند و این ابعاد را به زمان حضور امام معصوم (علیه‌السلام) محدود و محصور نمی‌کنند (خسروپناه، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰).

یکی از مشخصه‌های اسلام از نظر امام، سیاسی دانستن آن است. ایشان تصریح می‌کند که احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی آن است (خسروپناه، ۱۳۹۵، ص ۱۸۱). حضرت

امام طی تقسیمی، اسلام را به اسلام ناب و اسلام آمریکایی تقسیم می‌کند و شرط برقراری اسلام ناب را تشکیل حکومت می‌داند. شاه‌بیت اسلام آمریکایی در آثار امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) شخصی‌سازی دین و جدانگاری آن از سیاست است. سازش یا سکوت در برابر دشمنان اسلام و راحت‌طلبی از دیگر ویژگی‌های اسلام آمریکایی است (خسروپناه، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳-۱۸۴).

از جمله مسائل مهمی که توجه عموم تحلیلگران انقلاب اسلامی ایران را به خود جلب کرده و ناظران خارجی را در زمان پیروزی انقلاب اسلامی به حیرت انداخته بود، این حقیقت بود که چگونه در این انقلاب، تقریباً تمامی مردم هم‌زمان و به شکل هماهنگ قیام کردند و هم‌نوا خواستار تحول و تغییر اساسی یعنی سقوط رژیم شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی شدند (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۹۳).

پژوهشگران حوزه انقلاب‌ها همچون چارلز کرزمن در کتاب انقلاب تصورناپذیر در ایران، حضور مردمی در انقلاب ایران را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «[انقلاب ایران] تنها نمونه یک انقلاب اسلامی توده‌ای است. در واقع انقلاب ایران از نظر تعداد مردمی که در آن شرکت کردند، یکی از عظیم‌ترین خیزش‌های تاریخ جهان است» (کرزمن، ۱۳۹۷، ص ۵). در یکی از اسناد لائنه جاسوسی این‌گونه آمده است: «در [راهپیمایی اربعین سال ۵۷]، ۲/۵ میلیون آدم شرکت داشتند (دیگران و مطبوعات می‌گویند ۱/۴، ۱/۸ میلیون) و روز بدون خشونت تمام‌شده بود ... شعارها همه اسلامی بود» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۶). این سند نشان‌دهنده مردمی بودن و اسلامی بودن انقلاب اسلامی است. نقش مردم با پیروزی انقلاب اسلامی به پایان نرسید. یکی از مظاهر حضور مردمی، مشارکت مردم در انتخابات است. در سند دیگری از اسناد لائنه جاسوسی آمریکا، استقبال مردم برای حضور در همه‌پرسی تعیین نوع حکومت در تهران و شهرهای دیگر را بسیار زیاد توصیف می‌کند (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۶۵-۲۶۶). حضور مکرر مردم در انتخابات مختلف و حضور میدانی مردم در راهپیمایی‌ها به‌ویژه راهپیمایی سالانه در ۲۲ بهمن، روز پیروزی انقلاب اسلامی و حضور در مقاطع حساس همچون در مقابله با فتنه‌ها در سال‌های گوناگون، علی‌الخصوص در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ ش، نقش مهم مردم در مانایی انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد.

۲-۱. کلان راهبردهای دشمن در نفوذ شناختی

نظام سلطه به رهبری ایالات متحده آمریکا بعد از ناکامی از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی با انواع جنگ‌ها و شیوه‌های دشمنی از جمله جنگ نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی درصدد نفوذ شناختی برای سلطه بر ذهن‌ها و مغزهاست. هدف نهایی از نفوذ شناختی استحاله و فروپاشی از درون است. با توجه به مطالب قبلی، کلان راهبردهای نظام سلطه در نفوذ شناختی اسلام زدایی و جمهور زدایی از جمهوری اسلامی به منظور زدن عقبه و پایه‌های بقای نظام جمهوری اسلامی است.

۳-۱. پیشاهم‌های مقابله بانفوذ شناختی

مقابله بانفوذ، به‌ویژه نفوذ شناختی، بدون فهم دقیق آن غیرممکن است؛ بر این اساس برای کاربست روش‌ها و شیوه‌های مناسب مقابله، ناگزیر از درک نفوذ شناختی در ابعاد ذیل هستیم:

الف. شناخت چستی نفوذ شناختی؛

ب. شناخت اهداف نفوذ شناختی؛

ج. شناخت ابزار، شیوه‌ها و روش‌های نفوذ شناختی؛

د. شناخت بسترهای نفوذ شناختی.

۴-۱. پیشاباورهای مقابله بانفوذ شناختی

علم به‌تنهایی برانگیزاننده حرکت و عمل انسان نیست؛ بلکه باور و ایمان به آن علم لازم است. به تعبیر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی): «تا انسان به چیزی دل سپرده و گرویده نباشد، در راه آن حرکت نمی‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f3259). براین اساس در مقابله بانفوذ شناختی به باورهایی به شرح ذیل نیازمندیم:

الف. باور به وجود نفوذ شناختی؛

ب. باور به لزوم مقابله با آن؛



ج. باور به مفهوم «ما می‌توانیم» در مقابله بانفوذ شناختی.

۲. کلان راهبردهای مقابله بانفوذ شناختی

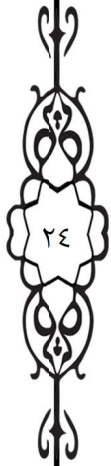
۱-۲. کلان راهبرد سد

سدّ به معنای استوار کردن رخنه و رهگذار بستن است (ابن معروف، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴۰). استفاده از این کلان راهبرد، به این معناست که امکان نفوذ شناختی به جامعه اسلامی به حداقل برسد یا از بین برود. دشمن با استفاده از ابزارها و شیوه‌های گوناگون درصدد این نوع از نفوذ است تا با ایجاد تغییر در باورها و نگرش‌ها، به هدف اسلام زدایی و جمهوریّت زدایی دست یابد. مخاطب اصلی این کلان راهبرد مسئولان کشور هستند. این کلان راهبرد به دو شکل ایجابی و سلبی قابل تحقق است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱-۲. ایجابی

به این معنا که برای مقابله بانفوذ شناختی، پروژه‌هایی را طراحی و به اجرا در بیاوریم که اجرای آن طرح‌ها از نفوذ شناختی جلوگیری نماید. در واقع جمهوری اسلامی باید در حوزه‌هایی که بستر نفوذ شناختی است، اعمال حاکمیت کند. رهبر معظم انقلاب ^(مدظله‌العالی) با درک این حقیقت مهم، وضعیت حکمرانی در فضای مجازی کشور را ضعیف توصیف نموده و از رها بودن این فضا و عدم مدیریت در آن ابراز گلهمندی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f/47576). عدم اعمال مدیریت در این فضا خسارات فراوانی را به دنبال خواهد داشت. نبود مدیریت در فضای مجازی ممکن است ما را از واقعیت اصیل، یعنی هستی آن‌سویی، دور کند و به‌حسب وجودی، دچار بی‌خانمانی کند یا به‌جای خانه اصیل و خدامحور در خانه‌هایی سست سکنی دهد (صلواتی، ۱۴۰۱، ص ۴۶).

در این راستا مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی) در بهمن سال ۱۳۸۹ ش سیاست‌های کلی نظام در امور امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا) را باهدف راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات ابلاغ نمودند. مرور اهداف سیاست‌های مزبور نشان از نقش مهم شبکه ملی اطلاعات در مواجهه بانفوذ شناختی دشمن دارد. ازجمله اهداف مرتبط با موضوع پژوهش می‌توان به این



موارد اشاره کرد: حفظ فرهنگ و هویت اسلامی-ایرانی و ارزش‌های اخلاقی، حراست از حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع و سرمایه‌های مادی و معنوی و فرهنگ‌سازی، آموزش و افزایش آگاهی و مهارت‌های عمومی در حوزه افتا (خامنه‌ای، مکتوبات، <https://khl.ink/f/۱۲۶۶>). بنا به اهمیت موضوع فضای مجازی در دنیای کنونی و به جهت عملیاتی شدن سیاست‌های مزبور، رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) دستور تشکیل شورای عالی فضای مجازی را با حضور مسئولان عالی‌رتبه نظام در اسفند ۱۳۹۰ ش صادر فرمودند. یکی از مطالبات مستمر ایشان از این شورا در این سال‌ها راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات بوده است. ازجمله خصوصیت‌های شبکه ملی اطلاعات، وجود شبکه کارآمد ارتباطی-اطلاعاتی، بومی و درون‌زا بودن، برخورداری از فناوری دانش‌بنیان، در تراز ملی بودن و استقلال است (قهرمانی و مسلمی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۹). راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و طراحی و اجرای برنامه‌هایی در راستای قوی کردن استحکامات داخلی، عامل بسیار مهمی برای جلوگیری از نفوذ شناختی در جامعه است.

۲-۱-۲. سلیبی

به این معنا که با برنامه‌هایی که دشمن به‌واسطه آن‌ها درصدد نفوذ شناختی است، مقابله کنیم و از نفوذ آن جلوگیری نماییم. بخش مهمی از طرح‌های دشمنان برای نفوذ شناختی در جوامع بین‌المللی، به‌ویژه جوامع اسلامی و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران، در قالب کلان پروژه جهانی سازی تعریف می‌شود. در فرایند جهانی‌سازی، نظام سلطه به رهبری ایالات متحده آمریکا درصدد سوق دادن جامعه جهانی به‌سوی اهداف از پیش طراحی‌شده خود است. درواقع نظام سلطه از رهگذر کلان پروژه جهانی‌سازی، به دنبال تحمیل خواسته‌ها و منافع خود بر دیگر ملت‌ها به جهت تثبیت رهبری خود بر آنان است (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸). بخش مهمی از پروژه جهانی‌سازی به جهانی‌سازی هویت، فرهنگ، اندیشه‌ها و باورها برمی‌گردد که درواقع به از بین رفتن ارزش‌های ملی، فرهنگی و مذهبی جوامع منجر می‌شود.

یکی از برنامه‌های نظام سلطه برای نفوذ شناختی در راستای اهداف جهانی‌سازی، سند توسعه پایدار سازمان آموزشی و فرهنگی سازمان ملل متحد موسوم به یونسکو است. بخشی از

برنامه‌های عملیاتی سند توسعه پایدار، سند ۲۰۳۰ در حوزه آموزشی است. این سند ۱۷ هدف اصلی را برای دنیا تا سال ۲۰۳۰ م برنامه‌ریزی و ترسیم کرده است و به دنبال آن است تا در تمام کشورها این اهداف حاصل شود. در بخشی از این سند این‌گونه آمده است: «تضمین اینکه همه فراگیران، به دانش و مهارت‌های لازم برای ترویج توسعه پایدار دست یابند؛ به‌ویژه از طریق آموزش برای توسعه پایدار و آموزش و ترویج شیوه‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگ در تحقق توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰» (رایجی یانسری، ۱۳۹۶، ص ۸۴-۸۵). معنای منع تبعیض در ابتدا برای ما مسلمین شاید خیلی جذاب و قابل قبول باشد؛ اما تفسیر غربی‌ها و سازمان ملل از آن چیز دیگری است که در اسناد سازمان ملل به آن اشاره شده که به‌اختصار بیان می‌کنیم:

الف. منع تبعیض نسبت به گروه‌های خاص کودکان (یعنی قانونی شدن کودکان هم‌جنس‌گرا، بهائیان، وهابیت، عرفان‌های نوظهور و حتی حرام‌زادگی)؛

ب. منع تبعیض بر [مبنای سن] نسبت به نوجوانان (یعنی دسترسی آزاد به اطلاعات و خدمات سلامت جنسی و باروری نوجوانان) (رایجی یانسری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶-۱۲۹).

سند ۲۰۳۰ متأسفانه در سال ۱۳۹۳ ش، با حضور وزرای ۱۳۰ کشور از جمله علی‌اصغر فانی، وزیر وقت آموزش و پرورش، از سوی ایران پذیرفته شد و دو سال بعد، در ۱۳۹۵ ش، به مرحله اجرا درآمد. خوشبختانه با هوشیاری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، روند اجرای آن در دولت وقت متوقف گردید و سرانجام با امضای شهید رئیسی، مصوبه لغو اجرای این سند که پیش‌تر در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده بود، برای اجرا ابلاغ شد (رئیس، ۱۴۰۳/۰۲/۲۰).

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مواجهه با سند ۲۰۳۰ با صراحت تمام عدم اجرای آن را خواستار شدند: «اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم؛ بی‌سروصدا اجرائی کردن، نخیر. این اصلاً مطلقاً مجاز نیست... اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند» (خامنه‌ای، بیانات، khl.link/f/۳۶۴۳۱). ایشان طی بیاناتی دیگر

اجرای سند ۲۰۳۰ را به معنای تربیت سرباز برای غرب، توصیف می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، khl.in/f/42410).

نفوذ آسنادی مانند سند ننگین ۲۰۳۰ در کشور، نشان‌دهنده اهمیت نقش تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در نفوذ شناختی است. درواقع دو گروه مزبور می‌توانند، ازجمله بسترهای نفوذ شناختی به جامعه اسلامی باشند. بنابراین، صحنه انتخابات در جمهوری اسلامی و انتخاب درست مردم، نقش ویژه‌ای در جلوگیری از نفوذ شناختی در جامعه دارد.

۲-۲. کلان‌راهبرد جهاد تبیین

مفهوم جهاد تبیین مفهومی مرکب است و ترکیب آن ترکیب اضافی است. اضافه آن نیز از سنخ اضافه بیانی یا تبیینی است که در آن مضاف‌الیه برای مضاف، کارکرد تبیینی و توضیحی دارد (نصیری‌فرد، ۱۴۰۱، ص ۱۹). «جهاد [در قرآن] عبارت است از درگیری با یک دشمن - این دشمن، هرکه می‌خواهد باشد- به یکی از اشکال و شقوق ممکن. جهاد عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف؛ منتها آن تلاش و کوششی که با درگیری با دشمن همراه نیست، اسمش جهاد نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵-۱۰۶).

با این تعریف از جهاد توسط رهبر معظم انقلاب ^(مدظله‌العالی) که در سخنرانی‌های سال ۱۳۵۱ ش بیان شده است، ایشان یکی از انواع جهاد را جهاد فکری می‌دانند. «هر کس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوء فهمی شود، از آنجاکه در مقابله با دشمن است، تلاشش جهاد نامیده می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات، khl.in/f/4790). جهاد تبیین را می‌توان با دو رویکرد آفندی و پدافندی انجام داد.

کلان‌راهبرد جهاد تبیین، راهبرد اعلامی و مورد تأکید امام خامنه‌ای ^(مدظله‌العالی) در سال‌های اخیر است. به‌کارگیری و ترکیب دو واژه جهاد و تبیین از سوی رهبر انقلاب ^(مدظله‌العالی) به‌صورت توأمان به معنای تلاش برای مقابله با اهداف دشمن، به‌منظور جلوگیری از غبارآلوده کردن و مسموم ساختن اذهان عامه یک جامعه است.

در منظومه فکری و اندیشه‌ای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) جهاد تبیین به معنای آغاز تحولی بنیادین و متمایز از حرکت‌های قبل است و این تحول باید از جهت کمیت، کیفیت و شیوه هم مورد توجه باشد. جهاد تبیین اقدامی جهادی با مسیر و روشی مشخص است و در این برهه زمانی که جامعه مورد حمله جنگ شناختی قرار گرفته است، نباید به روال سابق عمل کرد؛ بلکه باید به صورت جهادی و انقلابی در مسیر کشف حقایق در برابر ابهام‌آفرینی‌های دشمنان گام برداشت (نیکونهاد و بیوک، ۱۴۰۳، ص ۲۴-۲۵). از نظر معظم له جهاد تبیین، در این زمان، یک امر واجب، قطعی و فوری است (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f/49572).

درواقع یکی از مهم‌ترین عناصر مانایی هر جریانی، قدرت اقناع و تبیین آن است. نهضت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) با استفاده از عنصر تبیین و بدون توجه به حرکت‌های مسلحانه توانست رژیم پهلوی را سرنگون کند و به پیروزی برسد. طبعاً پایداری انقلاب اسلامی تاکنون، با بهره گرفتن از عنصر حیاتی تبیین بوده است (صلح‌میرزایی، ۱۴۰۱، ص ۶).

از نظر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) جهاد تبیین الزاماتی دارد؛ مانند هم‌راستایی حرکت تبیین‌گر با نقشه کلان انقلاب اسلامی، رعایت اخلاق و قانون، به‌موقع بودن عمل تبیین همراه با مداومت و استمرار در انجام آن برای تأثیرگذاری بر مخاطب یا مخاطبان، علمی بودن، بهره‌گیری از منطق و استدلال و پرهیز و اجتناب از اغراق در بیان مسائل، توجه به نوآوری و بهره‌گیری از مقوله هنر و ابزار مناسب در این مسیر، توجه به ضرورت وحدت‌آفرینی و امیدآفرینی این مسئله، شجاعت و صراحت در بیان و اجتناب از افتادن در دام مصلحت‌گرایی، انجام عمل تبیینی به دور از هیاهو و جنجال، پیشبرد هوشمندانه تبیین (نیکونهاد و بیوک، ۱۴۰۳، ص ۲۸-۲۶). آنچه در مسئله جهاد تبیین راهگشا است، مردمی‌سازی این حرکت است و مردمی‌سازی جز با شبکه‌سازی به سرانجام نخواهد رسید. جهاد تبیین می‌تواند از طریق شبکه‌سازی به نتیجه مطلوب و نهایی خود برسد و بدون توجه به این مقوله حیاتی، این کلان‌راهبرد در مرحله اجرا دچار چالش اساسی خواهد شد.



۲-۱-۲. شبکه‌سازی کلان طریق جهاد تبیین

ساختار سازمان‌های رسمی به صورت هرمی است؛ بدین معنا که اعضای آن در قاعدهٔ هرم، و گروه مدیریتی یا رئیس در رأس هرم قرار گرفته‌اند. جایگزین ساختار هرمی، سیستم سلولی یا شبکه‌ای است. در این نوع از ساختار سازمانی، هیچ‌گونه کنترل مرکزی بر اعضا یا سلول‌ها وجود ندارد و همهٔ سلول‌ها به صورت مستقل عمل می‌کنند و هیچ گزارشی به ستاد فرماندهی ارائه نمی‌کنند. در واقع، چنین ساختاری به همهٔ گروه‌های منفرد تشکیل دهندهٔ یک سازمان این اجازه را می‌دهد که به تنهایی عمل کنند (بهاری و مهدی‌بخشی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲).

به این نوع از ساختار، مقاومت بدون رهبری نیز می‌گویند. مقاومت بدون رهبری، سیستمی است که در آن، سازمان بر اساس اعضا و سلول‌هایش به فعالیت می‌پردازد و هیچ هستهٔ رهبری و کنترلی ندارد. در واقع، مبارزان به خواست خود، به عضویت شبکه درمی‌آیند و آزادند پیرامون خود سلول ایجاد کنند (بهاری و مهدی‌بخشی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲). انقلاب اسلامی را نیز می‌توان حاصل فعالیت بلندمدت شبکه‌ای از شاگردان حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) دانست که با ایجاد هسته‌های انقلابی در اقصی نقاط کشور توانستند به پیروزی برسند (ظهوریان و لگزریان، ۱۳۹۳، ص ۳۶).

برای تأثیرگذاری حداکثری و در راستای خنثی‌سازی و از طرفی تعمیق باورهای ملی و دینی، شبکه‌سازی امری لازم و ضروری در به ثمر نشستن کلان‌راهبرد جهاد تبیین است. ره‌آورد اهتمام نسبت به امر شبکه‌سازی، مردمی‌سازی جهاد تبیین را به دنبال خواهد داشت. فرمان آتش به اختیار مقام رهبری (مدظله‌العالی) در دههٔ ۹۰ را می‌توان در این راستا تبیین نمود. ایشان در تبیین آتش به اختیار بودن آن را معطل دستور [کسی] نماندن توصیف می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f/41740). «آتش به اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید» (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f/36775).

به دلیل تأثیر روزافزون رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های مجازی، آموزش مستمر بحث سواد رسانه‌ای به‌عنوان محتوای حتمی در بحث جهاد تبیین باید مورد اهتمام دست‌اندرکاران قرار بگیرد. یکی از بسترهای آموزش سواد رسانه، آموزش و پرورش است؛ به این معنا که از همان مقطع

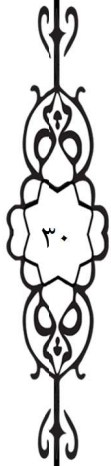
ابتدایی باید این مباحث به صورت اندک‌اندک و مستمر آموزش داده شود و نباید به آموزش یک کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای، آن‌هم در مقطع متوسطه که عموماً به‌عنوان یک کتاب فرعی با آن برخورد می‌شود، بسنده نمود. می‌توان مباحث سواد رسانه‌ای را در ضمن دروس دیگر از مقطع ابتدایی تا پایان متوسطه آموزش داد. طبعاً صداوسیما و دیگر رسانه‌ها هم نقش مهمی در بحث آموزش سواد رسانه‌ای خواهند داشت.

سواد رسانه‌ای یعنی توانایی درک و تحلیل پیام‌هایی که از رسانه‌ها دریافت می‌کنیم. این مهارت به ما کمک می‌کند تا بدانیم چه کسی پیام را تولید کرده، هدفش چیست و چگونه می‌تواند بر ما تأثیر بگذارد. سواد رسانه‌ای فقط فهمیدن محتوا نیست؛ بلکه شامل نقد و بررسی آن‌هم می‌شود. مثلاً وقتی یک تبلیغ تلویزیونی می‌بینیم، باید بفهمیم که چه چیزی را می‌خواهند به ما بفروشند و چرا. یا وقتی خبری در شبکه‌های اجتماعی می‌خوانیم، باید بتوانیم تشخیص دهیم که آیا این خبر واقعی است یا جعلی. سواد رسانه‌ای به ما یاد می‌دهد که چگونه از رسانه‌ها به شکل مسئولانه استفاده کنیم و از خطرات آن دور بمانیم؛ مثلاً حریم خصوصی خود را در فضای مجازی حفظ کنیم یا از اخبار جعلی فاصله بگیریم.

از دیگر مباحث مهم و لازم در آموزش و پرورش، بحث آموزش علوم شناختی و سوگیری‌های شناختی است که همانند موضوع سواد رسانه‌ای باید مورد توجه قرار بگیرد (آل‌داود، ۱۴۰۳/۱۱/۵).

۳. کلان‌راهبرد حفظ و تقویت تعظیم شعائر اسلامی و ملی

یکی از ابزارهایی که می‌تواند نفوذ شناختی را خنثی، کم‌اثر یا حتی بی‌اثر سازد، تقویت ظرفیت‌های دینی و ملی در جامعه ایران است. برای نمونه، یکی از پروژه‌های دشمن در اسلام زدایی و به تبع آن جمهوری زدایی از جمهوری اسلامی ایران القای بی‌دین شدن مردم است که می‌توان با کلان تقویت تعظیم شعائر اسلامی و ملی با آن مقابله کرد. این القای بی‌دینی علی‌رغم مبالغه‌آمیز بودنش عده‌ای را به سمت بی‌دین شدن سوق می‌دهد. جنگ روانی بی‌دین شدن



مردم، به‌ویژه جوانان، کشور از جمله طرح‌های مورد توجه دشمنان جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب بوده و مسئله جدیدی نیست.

رهبر انقلاب ^(مدظله‌العالی) در دهه ۷۰ در مقابله با این القای دشمن و به تبع آن دنباله‌روان داخلی آن، جوان ایرانی را مؤمن، پاک‌دامن، مایل به جنبه‌های معنوی و پاک‌گوهر توصیف می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f/3003). ایشان در بیاناتی دیگر در سال ۱۴۰۱ از علاقه جوانان کشور به اسلام و انقلاب سخن گفته و گرایش مردم به دین و انقلاب را از روز اول انقلاب بیشتر می‌دانند. ایشان تشییع میلیونی شهید سلیمانی در شهرهای مختلف، تشییع پرشور مراجع عظام تقلید از جمله آیت‌الله بهجت و آیت‌الله صافی ^(رحمة‌الله‌علیهما) را از جلوه‌های افزایش گرایش مردم به انقلاب و دین بیان می‌کنند. همچنین اظهار ارادت مردم به امام زمان ^(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) به‌واسطه سرود سلام فرمانده و هجوم دانشجویان جوان به‌سوی اعتکاف را از دیگر مظاهر این رشد برمی‌شمارند (خامنه‌ای، khl.ink/f/50381).

یکی از دلایل ناکام ماندن دشمنان در القای بی‌دینی مردم و جوانان، وجود ظرفیت‌های دینی و ملی در کشور است. استکبار در سال‌های اخیر، در ادامه راهبرد القای بی‌دینی در جوانان، پروژه انقطاع نسلی را در کشور دنبال می‌کند. رهبر معظم انقلاب ^(مدظله‌العالی) در مواجهه با طرح بحث انقطاع نسلی نکته مهمی را بیان می‌نماید: «این حرف‌های انقطاع نسلی... حرف‌های روشنفکری داخل گعده‌های روشنفکرانه است؛ واقعیت‌ها غیر از این است» (خامنه‌ای، بیانات، khl.ink/f/51418). در واقع، دشمن با زبان جریان روشنفکری درصدد اجرای پروژه انقطاع نسلی در ایران است. هاشم آقاچری، داود فیرحی، حاتم قادری و محمود سریع‌القلم از جمله افراد متعلق به جریان موسوم به روشنفکری در ایران هستند که چنین سخنانی را بیان نموده‌اند (معیدفر، ۱۳۸۳، ص ۶۳).

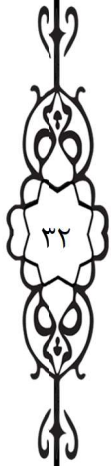
اصطلاح انقطاع نسلی یا به تعبیری گسست نسلی به آن دسته از اختلافات ارزشی، فکری و اعتقادی میان نسل‌ها گفته می‌شود که باعث جدایی کامل میان نسل‌ها شود. در واقع، زمانی که سرمشق و الگوهای مسلط یک جامعه به‌ویژه الگوهای معرفتی آن تغییر کند، انقطاع صورت می‌گیرد. علی‌رغم این تعریف می‌توان گفت همان‌گونه که انطباق کامل نسلی ممکن نیست،

انقطاع نسلی نیز عملاً محال است (ساروخانی و صداقتی فرد، ۱۳۸۸، ص ۱۳). قرائن مورد اشاره رهبری، نشان از کذب بودن ادعای انقطاع نسلی در ایران دارد؛ اما تکرار مستمر چنین گزاره و ادعایی نشان از هدف‌گذاری دشمن در این حوزه دارد. به این معنا که دشمن در پی انقطاع نسلی در جامعه اسلامی ایران است؛ یعنی نسلی که به‌طور کامل از گذشته خود، ارزش‌های دینی و میهنی خود جدا شده است. حال سؤال این است، فردی که از ارزش‌های دینی و ملی خود جدا شده، اکنون قائل به چه ارزش‌ها و باورهایی خواهد بود؟ پاسخ آن است که همان کسانی که او را به مرحله انقطاع نسلی رسانده‌اند، از راه نفوذ شناختی، باورها و ارزش‌های متناسب با مبانی خود، به او دیکته خواهند کرد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیروی مورد نیاز غرب را تربیت خواهند نمود؛ نیرویی که ارزش‌ها، افکار و باورهایش تماماً غربی است. طبعاً همین بینش‌ها و در پی آن، نگرش‌ها، فرد را به رفتارهایی سوق می‌دهد که مطلوب و مورد پسند غربی‌هاست. آنتی‌تزی چنین طرح حساب‌شده‌ای، حفظ و تقویت تعظیم شعائر اسلامی و ملی است.

۳-۱. تقویت تعظیم شعائر اسلامی

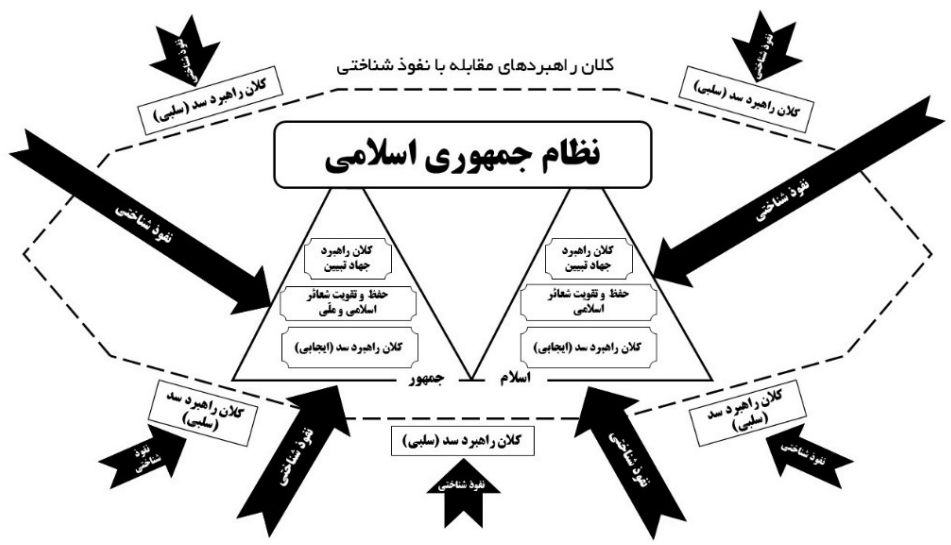
شعائر جمع «شعیره» به معنای علامت و نشانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۹۶). شعائر اسلامی به معنای نشانه‌های اسلامی است که شامل آیین الهی و برنامه‌های کلی و آنچه در نخستین برخورد با دین اسلام دیده می‌شود. یکی از آن موارد، مناسک حج است که انسان را به یاد اعمال اسلامی و خدا می‌اندازد و در قرآن کریم از حج و مناسک آن به‌عنوان شعائرالله یاد کرده است (حج: ۳۲). پخش صدای اذان، برگزاری نماز جمعه و جماعات، صلوات و سلام کردن از دیگر شعائر اسلامی است.

یکی از شعائر مهم و تأثیرگذار اسلامی، به‌ویژه شیعی، برگزاری جلسات و برنامه‌های بزرگداشت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به‌ویژه عزای سیدالشهدا (علیه‌السلام) است. اساساً امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) را از شعائر اسلامی دانسته و یکی از اهداف مهم انقلاب را زنده کردن شعائر اسلامی می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۳۲۸). ایشان پیروزی انقلاب



اسلامی را مدیون قیام حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) دانسته و از جایگاه بالای عزاداری امام حسین (علیه السلام) در پیروزی انقلاب اسلامی این گونه یاد می کنند: «ما یک ملتی هستیم که با همین گریه ها، یک قدرت ۲۵۰۰ ساله را از بین بردیم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۳۴۹). حضرت امام با تأکید بر حفظ دسته های عزاداری بر تقویت آن ها تأکید می کنند: «ما باید حافظ این دسته های مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر ... [باشیم؛] تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۳۳۱).

یکی از راهبردهای اساسی دشمنان در هجمه شناختی، سلسله برنامه هایی برای تضعیف و چپساز نیان همیشگی شعائر اسلامی مهم و تأثیرگذار به ویژه عزاداری حسین بن علی (علیه السلام) است. حفظ و تقویت سنت سوگواری امام حسین (علیه السلام) به انحاء مختلف از راه درست و صحیح، خنثی کننده نفوذ شناختی از سویی و ایمن ساز جامعه اسلامی از سویی دیگر است. بنابراین جمهوری اسلامی، به ویژه رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) همواره بر تقویت برنامه های این چنینی تأکید ورزیده و حامی آن بوده اند. تجمعات و دسته های فراوان و گسترده در روزهای تاسوعا و عاشورا، حضور میلیونی زائران ایرانی در پیاده روی اربعین و حمایت مستمر رهبری معظم و مسئولان جمهوری اسلامی از آن، خنثی کننده نقشه دشمنان در جامعه اسلامی بوده است.



۲-۳. تقویت تعظیم شعائر ملی:

از جمله ظرفیت‌های ملی که خنثی‌کننده نفوذ شناختی دشمن و عقیم گذاشتن پروژه‌هایی همچون انقطاع نسلی در ایران است، استفاده از ظرفیت‌های ملی و بزرگداشت آن‌هاست و در واقع، مانع خود فراموشی تاریخی و فرهنگی می‌شود. یکی از نمادهای ملی جامعه ایران بزرگداشت نوروز است. ایرانیان و تعدادی دیگر از کشورها، روزهای ابتدایی سال را با آغاز بهار جشن می‌گیرند و اعمالی را انجام می‌دهند؛ همچون صلۀ ارحام، دیدار با دوستان و آشنایان، هدیه دادن و پذیرایی از مهمانان و خانه‌تکانی. این اعمال در شمار رفتارهایی است که دین اسلام نیز بر آن‌ها تأکید کرده است. یکی از فواید نوروز تقویت جایگاه خانواده است که در مقابله بانفوذ شناختی بسیار حائز اهمیت است. اتحاد سراسری مردم در کشور علی‌رغم همه اختلاف نظرهایشان از جمله جلوه‌های مایوس‌کننده دشمن است. اهتمام رهبران انقلاب در بیان مطالبی در آغاز سال شمسی با عنوان پیام نوروزی نشان‌دهنده اهمیت توجه و تعظیم نمادهای ملی است.

کلان‌راهبردهای مقابله بانفوذ شناختی در جامعه اسلامی دوران جمهوری اسلامی (منبع:

نگارنده)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی کلان‌راهبردهای مقابله بانفوذ شناختی در جامعه اسلامی ایران در دوران جمهوری اسلامی، ضمن بررسی و تبیین مفاهیم کلیدی موضوع، به هدف دشمن در نفوذ شناختی پرداخته است. هدف دشمن در این نوع از نفوذ، تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های دینی و ملی حاکم در جامعه ایران از طریق ایجاد خلل در فکر و ذهن آحاد جامعه اسلامی است. در واقع، نظام سلطه با درک این موضوع که علل مَبْقِیة نظام جمهوری اسلامی ایران شامل اسلام و جمهور است، بانفوذ شناختی در پی اسلام زدایی و جمهور زدایی از جامعه ایران به‌منظور سست کردن پایه‌های مانایی این نظام و درنهایت، تحصیل هدف اصلی نظام سلطه، یعنی فروپاشی نظام جمهوری اسلامی در ایران است.

کلان‌راهبردهای مقابله بانفوذ شناختی شامل کلان‌راهبرد سد، جهاد تبیین و تقویت تعظیم

شعائر اسلامی و ملی است. به‌کارگیری این کلان‌راهبردها از سویی نقش خنثی‌سازی نفوذ

شناختی را بر عهده دارد و از سوی دیگر، به ایمن سازی جامعه اسلامی در برابر آن کمک می کند. برنامه هایی همچون «اجرای کامل شبکه ملی اطلاعات، جلوگیری از اجرای برنامه های بین المللی مرتبط با اهداف نظام سلطه در کشور، مجهز نمودن جامعه به سواد رسانه ای با تأکید بر آموزش آن از دوران متوسطه در ضمن دروس دیگر، و تقویت ظرفیت های موجود در جامعه ایران مانند حبّ به ائمه اطهار (علیهم السلام) و نوروز» در قالب آن کلان راهبردها تعریف می شود.

آنچه به وضوح از نتایج یافته های پژوهش به دست می آید، این کلان راهبردها عموماً از طرفی فرهنگی بوده و از سوی دیگر نیازمند اعمال حاکمیت و مدیریت از سوی مسئولان است. از آنجایی که بحث نفوذ شناختی بحث جدیدی است و به تبع آن، بررسی شیوه های مقابله با آن نیز تازه تر است، پیشنهاد می شود هر یک از کلان راهبردها و برنامه های ذیل آن در مقابله بانفوذ شناختی مورد پژوهش قرار گیرد.

منابع

*قرآن کریم.

۱. ابن معروف، محمد بن عبدالخالق (بی‌تا)، فرهنگ کنز اللغات: عربی-فارسی، ۲ ج، تهران: مکتبه‌ المرتضویه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، ۱۵ ج، بیروت - لبنان: دارالفکر.
۳. آقابخشی علی، افشاری، مینو (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
۴. الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۶)، مدیریت عمومی، تهران: انتشارات نی.
۵. بهاری، بهنام؛ مهدی‌بخشی، شیخ احمد (۱۳۹۰)، «تحول مفهوم تروریسم؛ از انگیزه تا گستره‌ فعالیت»، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۷، ص ۱۵۱-۱۷۲.
۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف.
۷. جوانی، محمد (۱۴۰۱)، علوم شناختی در جنگ شناختی، تهران: نواندیشان.
۸. چهاردولی، عباس؛ خادم‌زاده، وحید (۱۳۹۸)، مقدمه‌ای بر فلسفه مدیریت راهبردی از نگاه اسلام، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی تهران.
۹. حق‌گو، جواد؛ مولائی، حسین (۱۴۰۱)، «ضرورت مختصات‌شناسی حکومت رضاشاه در ایمن‌سازی جامعه‌ی ایرانی در مواجهه با جنگ شناختی دشمن»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ش ۲، ص ۸۱-۹۹.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، هم‌زمان حسین (علیه‌السلام): ۱۰ گفتار در تحلیل مبارزات سیاسی امامان معصوم: از آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سال ۵۱، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵)، منظومه‌ فکری امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ اسلامی.
۱۲. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۹)، صحیفه‌ امام، ۲۲ جلد، تهران: مؤسسه‌ تنظیم و نشر امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه).
۱۳. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (بی‌تا)، اسناد لانه‌ جاسوسی آمریکا، ۱۱ ج، قم: انتشارات اسلامی.



۱۴. داوودی، علیرضا (۱۴۰۰)، «جنگ شناختی؛ آخرین الگوی دشمن برای حکمرانی بر جهان»، آمریکاشناسی، ش ۱۱، ص ۲۱۵-۲۲۴.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰)، لغت‌نامه: فرهنگ متوسط دهخدا، ۲ ج، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
۱۶. رایبچی یانرسری، مسعود (۱۳۹۶)، «کاپیتولاسیون فرهنگی، قم: شهید کاظمی».
۱۷. ساروخانی، باقر؛ صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۸۸)، «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ش ۴، ص ۷-۳۲.
۱۸. سیدنژاد، سیدباقر؛ امینی، پرویز (۱۴۰۳)، «دیالکتیک استعلایی پیشرفت بر پایه جامعه اسلامی؛ بازاندیشی فرایند تکوین تمدن نوین اسلامی»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ش ۲، ص ۲۹-۴۷.
۱۹. صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۱)، جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران: انقلاب اسلامی.
۲۰. صلواتی، عبدالله (۱۴۰۱)، باور در عصر کلیک: آسیب‌های اعتقادی فضای مجازی و راهکارهای آن، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۱. ظهوریان، میثم؛ لگزیان، محمد (۱۳۹۳)، «الگوی مدیریتی شبکه‌سازی تشکل‌ها و فعالان فرهنگی؛ تحلیل شبکه مضامین»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲، ص ۳۵-۶۶.
۲۲. فتحی و دیگران (۱۴۰۰)، نفوذ فرهنگی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات.
۲۳. فوزی، یحیی (۱۳۹۲)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، ۲ ج، تهران: عروج.
۲۴. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
۲۵. قهرمانی، علی؛ مسلمی، نوشین (۱۴۰۲)، «نقش شبکه ملی اطلاعات در مواجهه با جنگ شناختی-رسانه‌ای از منظر اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، مدیریت دانش اسلامی، ش ۱، ص ۱۵۳-۱۹۳.

۲۶. کرزمن، چارلز (۱۳۹۷)، انقلاب تصورناپذیر در ایران، ترجمه محمد ملاحباسی، تهران: ترجمان علوم انسانی.
۲۷. ماهنامه نگرش راهبردی (۱۳۸۶)، «مفهوم و فرآیند راهبرد»، نگرش راهبردی، ش ۸۶-۸۵.
۲۸. محمدی، منوچهر (۱۳۹۴)، انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها، قم: معارف.
۲۹. محمدیان، ابوالحسن (۱۴۰۰)، تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۰ ج، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
۳۰. معیدفر، سعید (۱۳۸۳)، «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی؛ بررسی شکاف نسلی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، ص ۵۵-۸۰.
۳۱. مقدسی، مهدی (۱۴۰۲)، «نفوذ شناختی؛ مهار آینده‌پژوهانه»، آینده‌پژوهی راهبردی، ش ۷، ص ۱۰۷-۱۲۰.
۳۲. مقدمی شهیدانی، سهراب (۱۳۹۸)، نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ۲۸ ج، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مهدیان، محسن (۱۴۰۳)، کدام نفوذ؟، روزنامه همشهری، سال سی و دوم، ش ۹۲۱۳.
۳۵. نصیری‌فرد، عباس (۱۴۰۱)، مفاهیم، تکنیک‌ها و مهارت‌های جهاد تبیین بر پایه مدل مفهومی و ساختاری، قم: نشر معارف.
۳۶. نیکونهاد، ایوب؛ بیوک، محسن (۱۴۰۳)، «طراحی و تصویرسازی مطلوب از "جهاد تبیین" در تقابل با پدیده جنگ شناختی مبتنی بر اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب»، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ش ۱۶، ص ۱۱-۳۶.
۳۷. واعظی، حسن (۱۳۸۸)، استعمار فرانو-جهانی‌سازی و انقلاب اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه).
۳۸. منابع مجازی
۳۹. پیام‌رسان ایتا-کانال سیدعلیرضا آل داود: <https://eitaa.com/aledavood/10208>

۴۰. رئیسی، سیدابراهیم (۱۴۰۳/۰۲/۲۰)، لغو اجرای سند ۲۰۳۰ در ابتدای دولت مردمی

امضا و ابلاغ شد، وبسایت خبرگزاری صداوسیما:

<https://www.iribnews.ir/00HkCV>

۴۱. وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

<https://farsi.khamenei.ir/>

